



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

عليه السلام

ابوطالب

حضرت

پدر ولایت



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# حضرت ابوطالب علیه السلام پدر ولایت

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز غدیرستان کوثر نبی صلی الله علیه و آله  
و سلم

ناشر چاپی:

مرکز غدیرستان کوثر نبی ( صلی الله علیه و آله و سلم )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	حضرت ابوطالب علیه السلام پدر ولایت
۸	مشخصات کتاب
۸	مدافع راستین رسالت و امامت
۸	حضرت ابوطالب و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)
۸	اقرار به نبوت پیامبر پیش از تولد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم)
۸	(۱)
۹	(۲)
۹	(۳)
۹	(حمایت از پیامبر)
۱۰	امانتدار و صایا
۱۰	کفالت از رسول خدا
۱۲	(تشویق به همراهی پیامبر سفارش ایشان بود)
۱۲	شعب ابوطالب
۱۴	حضرت ابوطالب و ولایت
۱۴	(۱)
۱۴	(۲)
۱۴	(۳)
۱۵	فضائل
۱۵	رتبه ایمان
۱۵	اقرار به نبوت و ولایت و حضرت زهرا
۱۷	هرگز بتی را نپرستیدند!!!
۱۷	وصایت حضرت ابوطالب از حضرت ابراهیم علیه السلام

۱۷	در کلام امیرالمومنین علیه السلام
۱۷	۱
۱۸	۲
۱۸	در کلام موسی بن جعفر علیه السلام
۱۸	گفتار معصومین درباره حضرت ابوطالب علیه السلام
۱۸	(شفاعت پیامبر)
۱۹	(استدلال امام سجاد بر ایمان حضرت)
۱۹	(ایمان ابوطالب بر آفریدگان میچربد)
۲۰	(خداوند ضامن او است)
۲۱	(نور پدرم ابوطالب روشنی های همه آفریدگان را خاموش می کند)
۲۱	مقام حضرت ابوطالب علیه السلام از دیدگاه مخالفین
۲۱	گفتار ابن ابی الحدید
۲۲	در روایت «عفیف کندی»
۲۲	ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه»
۲۳	ابن وحشی
۲۳	تلمسانی
۲۳	معرفی اجمالی
۲۳	نام لقب کنیه
۲۴	نسب حضرت
۲۴	توسل به حضرت ابوطالب علیه السلام
۲۵	اشعار
۲۵	حضرت ابوطالب ، شاعر توانا
۳۱	مدح حضرت ابوطالب علیه السلام
۳۱	این مرغ طبع مست من خواهد ز نو غوغا کند

۳۲	ابوطالب که عمران است نامش
۳۳	نبود راه تو از دین! جدا ابوطالب
۳۷	امدافع حرم کبریا، ابوطالب
۳۷	قلم به گرفتم که تا کنم انشا
۳۹	شده طوطی طبع من ثناخوان ابوطالب
۳۹	قلم قاصر به انشای سجایای ابوطالب
۴۰	شعر ابن ابی الحدید در منقبت حضرت ابوطالب علیه السلام
۴۰	وفات
۴۱	کتابنامه حضرت ابوطالب علیه السلام
۴۱	اشاره
۴۹	مقام حضرت ابوطالب علیه السلام از دیدگاه مخالفین
۴۹	گفتار ابن ابی الحدید
۴۹	در روایت «عقیف کندی»
۵۰	ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه»
۵۰	ابن وحشی
۵۱	تلمسانی
۵۱	معرفی اجمالی
۵۱	نام لقب کنیه
۵۱	نسب حضرت
۵۲	توسل به حضرت ابوطالب علیه السلام
۵۳	درباره مرکز

## حضرت ابوطالب علیه السلام پدر ولایت

### مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)

عنوان و نام پدیدآور: حضرت ابوطالب علیه السلام پدر ولایت/ واحد تحقیقات مرکز تخصصی غدیرستان کوثر نبی (ص)/ محمد رضا شریفی

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: حضرت ابوطالب

ص: ۱

### مدافع راستین رسالت و امامت

#### حضرت ابوطالب و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم)

#### اقرار به نبوت پیامبر پیش از تولد حضرت رسول (صلی الله علیه و آله وسلم)

(۱)

-هنوز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۰ ساله بود که ابو طالب علیه السلام فرمود: «وَلَقَدْ أَنْبَأَنِي أَبِي: عَزِيدُ الْمُطَلِّبِ بِأَنَّهُ النَّبِيُّ الْمُبْعُوثُ، وَأَمَرَنِي أَنْ أَسْتُرَ ذَلِكَ لَيْلًا. يَغْرِي بِهِ الْأَعْدَاءُ؛ پدروم عبد المطلب به من خبر داده بود که او همان پیامبری است که مبعوث خواهد شد، و به من امر فرمود که آن را پوشیده بدارم تا به این سبب، دشمنان، علیه او شورش نکنند.»



## (۲)

حضرت ابو طالب در فرازی از خطبه عقد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با خدیجه کبرا علیها السلام فرمود: «وَهُوَ وَاللَّهِ بَعْدَ هَذَا لَهُ نَبَأٌ عَظِيمٌ وَخَطَرٌ جَلِيلٌ؛ به خدا سوگند بعد از این برای او [برادرزاده من]، خبر بزرگ و جایگاه بسیار رفیعی هست.»

## (۳)

حضرت ابو طالب فصل مفضیلمی در مدح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سخن گفته، در پایان می افزاید: «وَلَقَدْ كَانَ أَبِي يَفْرَأُ الْكُتُبَ جَمِيعًا، وَلَقَدْ قَالَ: إِنَّ مِنْ صِیْلِمِي لَنَبِيًّا وَلَوْ دَدْتُ أَنِّي أَدْرَكْتُ ذَلِكَ الزَّمَانَ فَأَمَنْتُ بِهِ، فَمَنْ أَدْرَكَهُ مِنْ وُلْدِي فَلْيُؤْمِنْ بِهِ؛ پدرم (عبد المطلب) همه کتابهای آسمانی را می خواند و می گفت که پیامبری از صلب من خواهد بود. چقدر مشتاقم که زمان او را درک کنم، پس به او ایمان آورم، هر کس از فرزندانم او را درک کند، حتما به او ایمان بیاورد.»

بحار الأنوار، ج ۳۵، ص: ۱۴۸

## (حمایت از پیامبر)

از اصبح بن نباته آورده اند که شنیدم امیر مؤمنان علی (علیه السلام) می گفت رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) به گروهی از قریش بگذشت که کشتارهایی از شتر یا گوسفند کرده بودند که آن را فهیره می نامیدند و بخاطر بتان آن ها را سر می بریدند پس چون او به ایشان رسید سلام نکرده بگذشت تا نزدیک دار الندوه شد و ایشان گفتند یتیم عبد الله بر ما بگذشت و سلام نکرد کدام یک از شما می رود که نمازش را بر او تباه سازد عبد الله بن زبیری سهمی گفت من چنین خواهم کرد پس خون و پلیدی شکمبه ها را برگرفت تا به نزدیک پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) رسید که آن هنگام در سجده بود پس جامه و هیکل او را با آن ها پر کرد و پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) برگشت تا نزد عمویش ابوطالب شد و گفت عموا! من کیستم گفت برای چه برادر زاده من؟ او داستان را برایش باز گفت وی پرسید کجا ایشان را رها کردی گفت در ابطح پس میان دودمانش آواز داد ای خاندان عبد المطلب! ای هاشمیان! ای عبد منافیان! پس از هر سوئی لبیک گویان روی به او نهادند و او پرسید شما چند تن هستید گفتند ما چهل تنیم گفت سلاح خویش بر گیرید پس سلاح بر گرفتند و او ایشان را راه انداخت تا رسیدند به آن گروه چون ایشان او را دیدند خواستند پراکنده شوند ولی او گفت بخدای این ساختمان هر کس از شما که برخیزد با شمشیر او را خواهم زد سپس به سراغ سنگی ستر که در ابطح بود رفت و سه ضربه بر آن زد و آن را سه قطعه کرد و سپس گفت محمد از من پرسیدی که تو کیستی؟ سپس با انگشتش پیامبر را نشان داد و این سروده ها را خواند:

ص: ۲

تو محمد پیامبری سروری بزرگ و سالار توده و مهتری یافته ...

تا پایان.... و سپس گفت محمد! کدام یک از اینان با تو چنان کرد پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) عبد الله بن زبیری سهمی شاعر را نشان داد ابوطالب او را بخواند و بر بینی اش کوفت تا آن را خونین ساخت و سپس خون و سرگین های شکنجه را بخواست و آن را بر سر همه حاضران ریخت و آنگاه گفت برادر زاده! آیا خشنود شدی و سپس گفت از من پرسیدی که تو کیستی تو محمد پسر عبد الله هستی و آنگاه پدران او را تا آدم (علیه السلام) یاد کرد و آنگاه گفت تو بخدا گوهرت از همگی شان ارجمندتر است و پایگاهت از همه برتر ای گروه قریش هر کس از شما خواهد بجنبد من همانم که می شناسیدم

گزارش بالا را سید ابن معد در کتاب الحجه ص ۱۰۶ آورده و همانند آن را نیز صفوری در نزهه المجالس گزارش کرده ج ۲ ص ۱۲۲ و در چاپ دیگر آن ص ۹۱ نیز ابن حجه حموی در ثمرات الاوراق که در حاشیه المستطرف چاپ خورده ۲/۳ به نقل از کتاب الاعلام قرطبی آنرا آورده است.

### امانتدارِ وصایا

از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: «آیا حضرت ابو طالب بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز حجت بود؟» فرمود: «لَا، وَلَكِنَّهُ كَانَ مُشْتَوِّدًا لِلْوَصَايَا، فَدَفَعَهَا إِلَيْهِ؛ نه، بلکه امانتدارِ وصایا بود، پس آنها را به آن حضرت تسلیم کرد.»

روضه المتقین، ج ۱۲، ص: ۲۲۱

### کفالت از رسول خدا

[در احوالات حضرت ابو طالب علیه السلام]

ص: ۳

همین که حضرت عبدالمطلب مریض شد بآن مرضی که از دنیا رفت حضرت محمد بن عبد الله را نزد ابو طالب نهاد و راجع به پیغمبر صلی الله علیه و آله به ابو طالب توصیه و سفارش کرد و به ابو طالب فرمود: ای پسر من این محمد صلی الله علیه و آله فضلی است از طرف خدا بر تو، عطاء و هدیه ای است از طرف من بسوی تو، محمد صلی الله علیه و آله برادر پدر و مادری تو است ولی سایر برادران تو اینطور نیستند (یعنی برادر پدر و مادری تو نیستند) آنگاه ابو طالب را از علم مخفی و برهانهای رسول خدا صلی الله علیه و آله با اطلاع کرد آن بشارتهائی که از پیمبران درباره حضرت محمد به عبدالمطلب داده شده بود به ابو طالب گوشزد کرد، آنچه را که علماء و صومعه نشینان یهود و دانشمندان عرب و فالگیرهای عجم راجع برسول الله صلی الله علیه و آله پیشگوئی کرده بودند برای ابو طالب نقل کرد....

موقعی که عبدالمطلب علیه السلام از دنیا رفت حضرت ابو طالب به بهترین کفالت متکفل رسول الله صلی الله علیه و آله گردید، بآن حضرت مهربانی و ترحم میکرد، در نگاهداری آن بزرگوار رنج میکشید، بلطف آن حضرت چنگ میزد، او را لباس و پوشاک میداد، نسبت بآنهائی که در اطراف آن حضرت بودند عطف و توجهی داشت.

حضرت ابو طالب مرد محترم و معظمی بود، بر طرف کننده اندوه بود، مرد بیهوده گو و پرحرف و مردم آزاری نبود بلکه مردی نیکوکار و با عاطفه و نسبت بآنچه که داشت بخشنده بود، نسبت بآنچه که برایش مقدور بود جوانمردی میکرد، هیچ ترسی آن حضرت را از سبقت در سخنانی مانع نمی شد، در موقع خصومت ملالی دچار او نمیگردید، نسبت برسول الله صلی الله علیه و آله محبت بخصوصی داشت.

ترجمه اثبات الوصیه، متن، ص: ۲۴۰

### (تشویق به همراهی پیامبر سفارش ایشان بود)

(تشویق به همراهی پیامبر سفارش ایشان بود)

ابن فیاض در نگارش خود شرح الاخبار می نویسد: علی (علیه السلام) در حدیثی از او گفت من و پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) در سجده بودیم که ابوطالب به سر وقت ما آمد و گفت آیا شما چنین کردید؟ سپس دست مرا گرفت و گفت بنگر که چگونه او را یاری دهی و آنگاه مرا در این کار تشویق و ترغیب کرد....

ضیاء العالمین از شیخ ابو الحسن شریف فتونی ۱۴- آورده اند که امیر مؤمنان (علیه السلام) را پرسیدند پیش از پیامبر ما (صلی الله علیه وآله وسلم) آخرین کس از جانشینان پیامبران که بود گفت پدرم

ضیاء العالمین از فتونی

ترجمه الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۱۴، ص: ۳۵۱

### شعب ابوطالب

شیخ طبرسی و قطب راوندی و غیر ایشان روایت کرده اند که: در سال هشتم نبوت چون کفار قریش و مشرکان مکه اسلام حمزه علیه السلام را دیدند و حمایت نجاشی مهاجران را و اسلام او را شنیدند و شدت حمایت ابوطالب و اکثر بنی هاشم آن حضرت را مشاهده کردند و اسلام در قبایل عرب منتشر شد و حقیقت آن حضرت بر اکثر خلق ظاهر شد، از مشاهده و استماع این احوال مضطرب شدند و نائره حسد و شرک در سینه پرکینه ایشان مشتعل گردیده و در «دار الندوه» که محلّ مشورت ایشان بود جمع شدند و تدبیر ایشان بر آن قرار یافت که با یکدیگر اتفاق کردند و سوگند خوردند بر عداوت آن حضرت و نامه ای در میان خود نوشتند که با بنی هاشم طعام نخورند و سخن نگویند و با ایشان خرید و فروش نکنند و دختر به ایشان ندهند و از ایشان دختر نگیرند تا مضطرب شوند و آن حضرت را به ایشان بدهند تا بکشند و همه با یکدیگر متفق باشند در عزم کشتن آن حضرت که هرگاه بر او دست بیابند او را به قتل رسانند.

ص: ۵

و چون این خبر به حضرت ابو طالب رسید بنی هاشم را جمع کرد و همه چهل مرد بودند و به ایشان گفت که: بکعبه و حرم سوگند یاد می‌کنم که اگر از دشمن خاری به پای محمد برود همه شما را هلاک خواهم کرد؛ و حضرت را با سایر بنی هاشم به درّه ای که آن را «شعب ابی طالب» می‌گفتند برد و اطراف آن درّه را ضبط کرد و در شب و روز پاسبانی آن حضرت می‌نمود، و چون شب می‌شد شمشیر خود را برمی‌داشت در وقتی که آن حضرت می‌خوابید مانند پروانه برگرد آن شمع محفل نبوت می‌گردید، و در اول شب آن حضرت را در جائی می‌خوابانید و چون پاسی از شب می‌گذشت آن حضرت را از آنجا به جائی دیگر نقل می‌فرمود و عزیزترین فرزندان خود علی بن ابی طالب را

در جای او می‌خوابانید که اگر کسی در اول شب آن حضرت را در آن مکان دیده باشد و قصد ضرری نسبت به او نماید بر اعزّ اولاد او واقع شود و بر او واقع نشود، و هر شب امیر المؤمنین علیه السلام به طیب خاطر جان خود را فدای آن حضرت می‌نمود، و در تمام شب ابو طالب پاسبانی آن جناب می‌نمود و در روز فرزندان خود و فرزندان برادرانش را موکل گردانیده بود که حراست آن حضرت می‌نمودند تا آنکه کار بر ایشان بسیار تنگ شد و هر که از عرب داخل مکه می‌شد جرأت نمی‌کرد که به بنی هاشم چیزی بفروشد و هر که چیزی به ایشان می‌فروخت اموال او را غارت می‌کردند، و ابو جهل و عاص بن وائل و نضر بن حارث و عقبه بن ابی معیط بر سر راه قوافل می‌رفتند و تجار را منع می‌کردند از آنکه به بنی هاشم آذوقه بفروشدند و تهدید می‌کردند ایشان را که: اگر بفروشید، مال شما را غارت خواهیم کرد.

و حضرت خدیجه مال بسیار داشت و اکثر آن را صرف آن حضرت و اصحاب آن حضرت کرد در وقتی که در شعب محصور بودند.

حیاه القلوب، ج ۳، ص: ۷۹۵ و ص: ۷۹۶

## حضرت ابوطالب و ولایت

(۱)

جالب تر اینکه این پیشگوییها فقط به رسالت خلاصه نمی شد؛ بلکه در باره ولایت و وصایت امیر مؤمنان علیه السلام نیز نویدهای بسیار شفافی از حضرت ابو طالب علیه السلام رسیده است:

روز میلاد مسعود حضرت ختمی مرتبت، حضرت فاطمه بنت اسد به خدمت حضرت ابو طالب رسیده تا ولادت فرخنده آن حضرت را بشارت دهد، حضرت ابو طالب خطاب به دخت اسد فرمود: «إِصْبِرِي سَبْتًا أَبْشُرِي بِمِثْلِهِ إِلَّا التُّبَّوَّةَ؛ سی سال صبر کن تا بشارت نظیر او را به تو بدهم، به جز تَبُّوت.»

سبت به سی سال گفته میشود.

الکافی، ج ۱، ص: ۴۵۲

(۲)

حضرت رضا علیه السلام می فرماید: بر نگین انگشتری حضرت ابو طالب علیه السلام چنین حک شده بود: «رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِأَخِي مُحَمَّدٍ نَبِيًّا، وَبِأَخِي عَلِيِّ لَهُ وَصِيًّا؛ من خدای را به خداوندی، برادرزاده ام محمد را به پیامبری، و پسر علی را به جانشینی او پسندیدم.»

(۳)

حضرت ابو طالب علیه السلام در شب میلاد مسعود مولود کعبه در کوچه و بازار مکه قدم می زد و می فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ! وُلِدَ اللَّيْلَةَ فِي الْكَعْبَةِ حُجَّةُ اللَّهِ تَعَالَى وَوَلِيُّ اللَّهِ...؛ هان، ای مردم، امشب در کعبه، حجت خدا و ولی خدا دیده به جهان گشود...» مردم جمع شدند و پرسیدند: چه شده؟! فرمود: امشب ولی از اولیای الهی متولد شده که همه خیرها به دست او به پایان می رسد و همه شرها به دست او از بین می رود.»

ص: ۷

الفضائل (لابن شاذان القمی)، ص: ۵۶

## فضائل

### رتبه ایمان

- ابو بصیر لیث مرادی گوید از امام باقر (علیه السلام)

... بخدا که اگر ایمان ابوطالب را در یک کفه ترازو بنهند و ایمان این آفریدگان را در کفه دیگر ترازو، البته کفه ایمان او بر ایمان ایشان خواهد چربید.

ترجمه الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، ج ۱۴، ص: ۳۵۱

### اقرار به نبوت و ولایت و حضرت زهرا

جابر بن عبد الله انصاری گفت: رسول - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - را پرسیدم از ولادت امیر المؤمنین. گفت: [آه؛ آه؛] پرسیدی مرا از بهترین مولودی که وی را ولادت بوده است پس از من بر سنت مسیح. بدان ای جابر که حق تعالی نور مرا و نور علی را پیش از عالم و آدم آفریده به پانصد هزار سال و چون آدم را بیافرید ما را در صلب آدم نهاد و از صلب آدم نقل می کرد از صلبهای پاک به رحمهای پاک تا که مرا از صلب پاک بیرون آورد و آن عبد الله بود و در رحم پاک نهاد و آن آمنه بود و علی را از صلب پاک بیرون آورد و آن ابو طالب بود و در رحم پاک نهاد و آن فاطمه بنت اسد بود.

و پیش از آن که علی در رحم مادر رسید، در آن عهد عابدی بود نام او مترم، صد و نود سال خدای را عبادت کرده بود، از حق تعالی درخواست تا ولی ای از آن خود را بدو نماید. پادشاه عالم ابو طالب را پیش وی فرستاد. مترم برخاست و بوسه بر سرش نهاد و پیش خود بنشانید و گفت: تو از کجایی؟ گفت: از تهامه. [گفت: از کدام تهامه؟] گفت: از مکّه. گفت: از کدام قبیله؟ گفت: از عبد مناف. گفت: از کدام قبیله عبد مناف؟ گفت: از بنی هاشم. مترم برجست و بار دیگر سرش را ببوسید و گفت: حمد خدای را که مطلوب من بداد و ولی ای از آن خود به من نمود. آنگاه گفت: بشارت باد ترا که عَلِيُّ الْأَعْلَى مرا الهام داده است که از صلب تو فرزندی بیرون آید که ولی خدا بود و امام متقیان و وصی رسول خدای عالمیان و چون آن فرزند دریابی سلام من بدو برسان. ابو طالب گفت: نامش چه بود؟ گفت: علی. گفت:

ص: ۸

مرا بدین برهانی باید که دلالت کند بر حقیقت این. گفت: چه می خواهی تا از حق تعالی بخواهم تا ظاهر کند. گفت: طعامی از بهشت. مترم دعا کرد طبقی از میوه بهشت، پیش وی نهاده شد: انگور و انار و رطب. ابو طالب یک انار از آن برگرفت و بخورد، آبی شد در صلب وی. چون با فاطمه بنت اسد جمع شد، فاطمه حامله شد به علی و زمین در جنبش و لرزه درآمد. قریش ترسیدند و بتان را بر سر کوه ابوقبیس بردند تا از ایشان در خواهند که آن لرزه را ساکن سازند، لرزه زیاده شد و پاره های سنگ از کوه افتادن گرفت. ابو طالب گفت: ای مردمان؛ بدانید که حق تعالی حادثه عظیم پدید آورد و خلقی آفرید که اگر اطاعت ندارید و به ولایت وی مقرّ نشوید، دیگر تهامه مسکن شما نباشد. گفتند: هر چه تو گویی ما آن کنیم و بر منهاج و اشارت تو برویم. ابو طالب به تضرّع و ابتهاج دست برداشت و گفت:

«الهی و سیدی؛ أسألك بالمحمدیه المحموده و بالعلویه العالیه و بالفاطمیّه البیضاء الّا تفضّلت علی تهامه بالرحمه و الرأفه.»

در حال، زلزله بنشست و چون شب ولادت علی بود، آسمان به غایت روشن شد و نور ستارگان اضعاف گشت، مردمان تعجب می کردند. ابو طالب بیرون آمد و در کوچه ها و محله ها می گردید و می گفت: ولّی از اولیای خدای تعالی ظاهر شد که امام متّقیان است و آرایش عابدان است و امیر مؤمنان است و خصم منافقان است. و چون بامداد بود از قوم غایب شد و چهل روز غایب بود.

جابر گفت: گفتیم: یا رسول الله؛ ابو طالب کجا شد؟ فرمود: مترم را می جست و او در کوه لکام متوفی شده بود. ابو طالب را به غاری نشان داده بود که مرا آنجا یابی، زنده یا مرده. ابو طالب بدان غار شد. او را مرده یافت در جامه ای پیچیده، روی فرا به قبله کرده و دو مار آنجا یکی سفید و یکی سیاه، او را نگاه می داشتند تا چیزی تعرّض به وی نرساند. ابو طالب گفت:



«السلام علیک یا ولیّ الله و رحمہ الله و برکاتہ.»

حق تعالی مترم را زنده گردانید، برخاست و گفت:

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله و انّ علیا ولیّ الله.»

ابو طالب گفت: بشارت باد تو را که علی بر زمین آمد. گفت: شب ولادتش را چه نشان بود؟ ابو طالب وی را خبر داد از هر چه رفته بود. مترم سر به سجود نهاد و شکر کرد خدای را و [گفت: جامه در من پوش]. در وی پوشیدم. مترم درگذشت.

رحمه الله علیه. ابو طالب دو سه روز آنجا مقام کرد و بعد از آن بازگشت. راحه الأرواح، السبزواری، ص: ۸۵

### هرگز بتی را نپرستیدند!!!

آورده اند که مولانا امیر مؤمنان (علیه السلام) گفت بخدا که پدرم و جدم عبد المطلب و هاشم و عبد مناف هیچکدام هرگز بتی را نپرستیدند پرسیده شد پس چه چیز می پرستیدند گفت آنان بر کیش ابراهیم (علیه السلام) بودند و چنگ در آن زده هنگام نماز روی به خانه خدا می کردند.

صدوق با اسناد خود در ص ۱۰۴ از اکمال الدین آورده است و هم شیخ ابو الفتوح در تفسیر خود ۴/۲۱۰ و هم سید در برهان ۳/۷۹۵

### وصایت حضرت ابوطالب از حضرت ابراهیم علیه السلام

#### در کلام امیرالمومنین علیه السلام

۱

—شیخ صدوق می فرماید: روایت شده که عبد المطلب حجّت بود و ابو طالب وصیّ او بود.

—علامه امینی می نویسد که از امیر مؤمنان علیه السلام پرسیدند: «آخرین وصی پیش از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چه کسی بود؟» فرمود: «پدرم.»

ترجمه الغدیر فی الكتاب و السنه و الادب، ج ۱۴، ص: ۳۵۰

ص: ۱۰

اصبغ بن نباته گوید که از امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم: «پدرم (ابو طالب) و نیاکامم: عبد المطلب، هاشم و عبد مناف، هرگز بت نپرستیدند.» گفته شد: «پس چه چیزی را می پرستیدند؟» فرمود: «كَانُوا يُصَلُّونَ إِلَى الْبَيْتِ، عَلَى دِينِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، مُتَمَسِّكِينَ بِهِ؛ به سوی کعبه نماز می خواندند، بر دین حضرت ابراهیم علیه السلام و متمسک به آن بودند.»

الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۷، ص: ۵۲۱

### در کلام موسی بن جعفر علیه السلام

از امام کاظم علیه السلام پرسیدند: «آیا حضرت ابو طالب بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز حجت بود؟» فرمود: «لَا، وَلَكِنَّهُ كَانَ مُشْتَوِّدًا لِلْوَصَايَا، فَدَفَعَهَا إِلَيْهِ؛ نه، بلکه امانتدارِ وصایا بود، پس آنها را به آن حضرت تسلیم کرد.»

### گفتار معصومین درباره حضرت ابوطالب علیه السلام

#### (شفاعت پیامبر)

(شفاعت پیامبر)

شیخ مفید با اسنادی بدون زنجیره پیوسته آورده است که چون ابو طالب بمرد، امیر مؤمنان به نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) شد و گزارش مرگ او را به وی داد پس دل او سخت به درد آمد و بسیار اندوهناک شد آنگاه به امیر مؤمنان (علیه السلام) گفت ای علی! برو و به کار او پرداز و غسل و حنوط و کفن او را بر عهده گیر و چون او را بر تابوت نهادی مرا آگاه کن امیر مؤمنان (علیه السلام) چنان کرد و چون او را بر تابوت نهاد پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) به او برخورد دلش بسوخت و اندوهگین شد و گفت عمو! پیوند خویشاوندی را استوار داشتی و پاداشی نیکو یافتی، کودکی را پروردی و سرپرستی کردی و بزرگسالی را یاری و همراهی نمودی آنگاه روی به مردم کرد و گفت بخدا برای عمویم به گونه ای شفاعت خواهم کرد که جن و انس به شگفت آیند.

ص: ۱۱

(شفاعت پیامبر)

آورده اند که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) گفت چون در پایگاه پسندیده بایستم درباره پدرم و مادرم و عمویم و برادری که پیش از اسلام با من برادری می نمود شفاعت خواهم کرد تفسیر علی بن ابراهیم ص ۳۵۵، ۴۹۰ تفسیر برهان ۷۳/۷۹۴-۷

### (استدلال امام سجاد بر ایمان حضرت)

(استدلال امام سجاد بر ایمان حضرت)

امام سجاد زین العابدین علی بن الحسین بن علی (علیه السلام) را پرسیدند که آیا ابوطالب مؤمن بود او (علیه السلام) گفت آری؛ گفتندش در این جا گروهی هستند که می پندارند او کافر بوده، او (علیه السلام) فرمود ای شگفتا و بسی شگفت! آیا ابوطالب را نکوهش می کنند یا رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) را؟ که خدای تعالی در چندین آیه از قرآن؛ او را منع کرده بود از این که بگذارد کسی از زنان با ایمان در همسری یک کافر باقی بماند و هیچکس هم تردید ندارد که فاطمه بنت اسد (س) از زنان پیشگام در اسلام بوده و با این حال همچنان در همسری ابوطالب ماند تا ابوطالب (ض) در گذشت. (نیابت از حضرت ابوطالب) مجلسی نیز در بحار ۹/۲۴ گزارش بالا را آورده است

### (ایمان ابوطالب بر آفریدگان میچربد)

(ایمان ابوطالب بر آفریدگان میچربد)

- ابو بصیر لیث مرادی گوید که به امام باقر (علیه السلام) گفتم سرور من مردم می گویند که ابوطالب در آبکینه ای از آتش است که بر اثر آن مغز وی می جوشد او (علیه السلام) گفت بخدا دروغ گفتند و بخدا که اگر ایمان ابوطالب را در یک کفه ترازو بنهند و ایمان این آفریدگان را در کفه دیگر ترازو، البته کفه ایمان او بر ایمان ایشان خواهد چربید- تا پایان آنچه در ص ۳۳۶ گذشت، سید نیز در کتاب الحجج ص ۱۸ از طریق شیخ طوسی و او از صدوق آن را گزارش کرده همچنین سید شیرازی در الدرجات الرفیعه و فتونی در ضیاء العالمین آن را آورده اند.

ص: ۱۲

و سید ابن معد در کتاب الحججه ص ۲۷ از طریقی دیگر از امام باقر (علیه السلام) آورده است که گفت: ابوطالب بن عبد المطلب، مسلمان و مؤمن از جهان رفت الخ

### (خداوند ضامن او است)

(خداوند ضامن او است)

شیخ ابو علی فتال و غیر او آورده اند که ابو عبد الله صادق (علیه السلام) گفت جبرئیل (علیه السلام) بر پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) فرود آمد و گفت محمد! پروردگارت ترا سلام می رساند و می گوید من آتش دوزخ را حرام کردم بر کسی که ترا از پشت خود فرود آورد و بر کسی که تو را در شکم خود برداشت و بر دامنی که تو را در خود سرپرستی کرد آن پشت، پشت پدرت عبد الله بن عبد المطلب بود و آن شکم که تو را در خود برداشت از آمنه بنت وهب و آن دامان که تو را در خود سرپرستی کرد از ابوطالب.

در روایتی فاطمه بنت اسد را نیز بر ابوطالب افزوده روضه الواعظین ص ۱۲۱-۲

از امیر مؤمنان رسیده است که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) گفت:

جبرئیل بر من فرود آمد و مرا گفت محمد براستی خدای عز و جل شفاعت تو را درباره شش کس می پذیرد: شکمی که تو را در خود حمل کرد و برداشت- آمنه بنت وهب- و پشتی که تو را (در آن) فرود آورد- عبد الله بن عبد المطلب و دامنی که تو را در خود سرپرستی کرد- ابوطالب- و خانه ای که تو را پناه داد- عبد المطلب- و برادری که در روزگار پیش از اسلام داشتی و پستانی که تو را شیر داد- حلیمه بنت ابو ذویب-

ص: ۱۳

گزارش بالا را سید فخار بن معد در کتاب الحجه ص ۸ آورده است.

### (نور پدرم ابوطالب روشنی های همه آفریدگان را خاموش می کند)

(نور پدرم ابوطالب روشنی های همه آفریدگان را خاموش می کند)

از امام سبط حسین بن علی (علیه السلام) آورده اند که پدرش امیر مؤمنان در رجه نشسته بود و مردمان نیز پیرامون او. پس مردی برخاست و گفت ای امیر مؤمنان تو در پایگاهی هستی که خدا تو را در آن جای داده و آنگاه پدرت در آتش دوزخ کیفر می بیند گفت خاموش! خدا دهانت را بشکند سوگند به آنکس که محمد را به راستی به پیامبری فرستاد که اگر پدرم درباره همه گنهکارانی که روی زمین اند به شفاعت برخیزد خدا شفاعت او را می پذیرد. پدر من در آتش کیفر ببیند؟ با آنکه پسرش بخش کننده بهشت و دوزخ است سوگند به آنکه محمد را بر راستی فرستاد که در روز قیامت نور پدرم ابوطالب روشنی های همه آفریدگان را خاموش می کند مگر ۵ نور را: نور محمد و نور فاطمه و نور حسن و حسین و نور فرزندان او از امامان را همان نور او از نور ما است که خدا آن را ۲۰۰۰ سال پیش از خلقت آدم آفریده است.

المناقب المائه از شیخ ابو الحسن ابن شاذان کنز الفوائد از کراچکی ص ۸۰

ترجمه الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، ج ۱۴، ص: ۳۴۸

### مقام حضرت ابوطالب علیه السلام از دیدگاه مخالفین

#### گفتار ابن ابی الحدید

گفتار ابن ابی الحدید راجع به ابوطالب و همسرش فاطمه دختر اسد ابن ابی الحدید در بیان اوصاف حضرت علی (علیه السلام) و معرفی آن حضرت از جمله می نویسد: «نمی دانم درباره مردی که پدرش ابوطالب بزرگ سرزمین مکه و حومه آن و سرور قریش و رئیس شهر بود چه بگویم؟ تا آنجا که راجع به او گفته اند: کمتر اتفاق افتاده است که آدم تهی دستی، سروری پیدا کند. ابوطالب تنگدست بود، و ثروتی نداشت، ولی قریش او را بزرگ خود می دانستند و به وی «شیخ» می گفتند.

ص: ۱۴

## در روایت «عقیف کندی»

در روایت «عقیف کندی» است که گفت: در آغاز نزول وحی بر پیغمبر، روزی دیدم آن حضرت نماز می‌گزارد و پسر بچه‌ای (علی علیه السلام) و زنی هم به وی اقتدا کرده‌اند. عقیف گفت: از عباس عموی پیغمبر پرسیدم اینها کیستند؟ عباس گفت: این برادرزاده من است و مدعی است که پیغمبر و فرستاده خدا می‌باشد، ولی جز این پسر بچه که او نیز برادرزاده من است کسی از وی پیروی نمی‌کند. این زن هم (خدیجه) همسر او است. عقیف پرسید: شما چه عقیده دارید: عباس گفت: ما صبر می‌کنیم بینیم «شیخ» یعنی ابوطالب چه می‌کند! سپس ابن ابی الحدید می‌گوید: ابوطالب بود که در ایام خردسالی پیغمبر کفالت و سرپرستی آن حضرت را به عهده گرفت و پس از آن که پیغمبر از جانب خداوند مبعوث گردید به دفاع و حمایت از وی برخاست و شر مشرکین را از او دور ساخت، و در این راه دچار ناراحتی عظیم و مصیبتی کمر شکن گردید، ولی با این وصف او در یاری و پیشرفت دین اسلام استقامت ورزید.

## ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه»

ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه» نیز درباره شخصیت ابوطالب سخن می‌گوید، و اشعاری در مدح ابوطالب گفته است که از جمله دو بیت است: اگر ابوطالب و فرزند او (علی) نبود، قامت دین اسلام استوار نمی‌گشت. او خود در مکه به پیغمبر پناه داد و از وی حمایت نمود، و فرزندش (علی) در مدینه به دفاع از پیغمبر خود را به کام مرگ فرو برد. (شرح نهج البلاغه - جلد ۱۴ ص ۸۴ و لولا ابوطالب و ابنه لما مثل الدین شخصا و قاما فذال بمکه آوی و حاما و هذا به یثرب جس الحماما) «ابن ابی الحدید در مقدمه شرح نهج البلاغه را جمع به فاطمه همسر ابوطالب می‌نویسد: وقتی او در مدینه وفات یافت پیغمبر پیراهن خود را داد تا کفن او کنند و او را مادر خطاب می‌کرد، سپس در قبرستان بقیع پیش از دفن وی، به درون قبر او رفت و لحظه‌ای آرامید و سفارش فاطمه دختر اسد را به خاک قبر کرد آن گاه بیرون آمد و گفت حالا جنازه را دفن کنید!! این زن مادر علی علیه السلام است که در خردسالی از پیغمبر اسلام پرستاری نموده بود. ابن ابی الحدید در آخر می‌گوید: این احترامی که پیغمبر برای فاطمه مادر علی علیه السلام معمول داشت، نصیب هیچ کس نشد.»

## ابن وحشی

-امام احمد بن حسین موصلی حنفی مشهور به ابن وحشی در شرح خود بر کتاب موسوم به شهاب الاخبار- به خامه علامه محمد بن سلامه قضاعی متوفی ۴۵۴- می نویسد: براستی دشمنی با ابوطالب کفر است و به همین گونه از میان امامان مالکیان هم علامه علی اجهوری در فتاوی خود آشکارا بر این قول رفته

## تلمسانی

تلمسانی در حاشیه خود بر شفاء که چون یاد از ابوطالب می کند می نویسد: سزاوار نیست که او را جز بعنوان پشتیبان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) یاد کنند زیرا وی را با گفتار و کردار خود یاری و پشتیبانی کرده. پس هر کس او را به گونه ای ناخوش یاد کند پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را آزرده و آزار دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) کافر است و کافر را باید کشت و ابو طاهر گفته: هر که ابوطالب را دشمن دارد کافر است.

ترجمه الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۱۴، ص: ۳۳۹

## معرفی اجمالی

## نام لقب کنیه

مولا امیر المومنین علیه السلام: ...سوگند به آنکس که محمد را به راستی به پیامبری فرستاد که اگر پدرم درباره همه گنهکارانی که روی زمین اند به شفاعت برخیزد خدا شفاعت او را می پذیرد.

....سوگند به آنکه محمد را براستی فرستاد که در روز قیامت نور پدرم ابوطالب روشنی های همه آفریدگان را خاموش می کند مگر ۵ نور را: نور محمد و نور فاطمه و نور حسن و حسین و نور فرزندان او از امامان را همان نور او از نور ما است

نام ابو طالب علیه السلام

حضرت ابو طالب با کنیه، معروف و نام نامی اش «عبد مناف» بود. نقل دیگر، «عمران» است که صاحب کتاب عمده، آن را تضعیف کرده است.

ص: ۱۶

ترجمه الغدير في الكتاب و السنه و الادب، ج ۱۴، ص: ۳۴۷

### نسب حضرت

پدر حضرت ابوطالب حضرت عبدالمطلب (علیه السلام) جد امجد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که از نسل حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام، و از جهت مادرشان، حضرت عبدالله پدر رسول خدا و حضرت ابوطالب (علیهما السلام) از یک مادر بودند و باقی اولاد عبدالمطلب از مادران متفرق بودند.

حضرت ابوطالب علیه السلام ۳۵ سال قبل از عام الفیل سال ولادت با سعادت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در امّ القری عالم اسلام یعنی شهر مکه متولد گردید. یعنی حضرت ابوطالب علیه السلام هنگام ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۳۵ سال داشت و هنگامی که کفالت پیامبر در ۸ سالگی به آن حضرت سپرده شد ۴۳ سال از عمر شریفش گذشته بود و با توجه به اینکه رحلت آن بزرگوار در ۵۳ سالگی پیامبر بوده سن شریف آن حضرت در هنگام وفات ۸۸ سال بوده .

### توسل به حضرت ابوطالب علیه السلام

شریف ابن معد در کتاب الحجّه ص ۲۲ از طریق ابو جعفر صدوق آورده که داود رقی گفت بر امام صادق (علیه السلام) در آمدم و مردی به من بدهکار

بود و من از قصد وی می ترسیدم (جرات مطالبه از او نداشتم) و این را برای حضرت به درد دل باز گفتم او گفت چون به مکه گذشتی یک طواف از جانب عبدالمطلب بکن و به نیابت او دو رکعت نماز بگذار و به نیابت ابوطالب هم طوافی بکن و دو رکعت نماز بگذار و به نیابت از عبد الله هم طوافی بکن و دو رکعت نماز بگذار و به نیابت از آمنه هم طوافی بکن و دو رکعت نماز بگذار و به نیابت از فاطمه بنت اسد هم طوافی بکن و دو رکعت نماز بگذار سپس خدای عز و جل را بخوان تا دارائی تو را به تو پس دهد.

ص: ۱۷



گفت چنین کردم و سپس از باب صفا بیرون شدم ناگاه بدهکارم را دیدم که ایستاده و می گوید داود بیا آنجا نزد من تا حق تو را بگذارم.

ترجمه الغدير في الكتاب و السنه و الادب، ج ۱۴، ص: ۳۵۶

## اشعار

### حضرت ابوطالب ، شاعر توانا

حضرت ابوطالب (عمران) را حکیم عرب می گفتند. مردی سخور، با شهامت و شاعری توانا بود.

اهمیت شعر و شاعری در عصر جاهلیت:

شعر و شاعر در زمان جاهلیت همواره اهمیت زیادی داشت تا آنجا که آن دو را مقدم بر شمشیر و جنگجو می دانستند. و بسا ارزش او را بر خطیب و خطاب نیز برتری می دانند؛ چرا که شاعر زبان قبیله بود و در جنگ ها او بود که دشمن را هجو می کرد. و با رجزهایش لشکر را بر می انگیخت و احساسات آن ها را به هیجان در می آورد تا پیروزی نصیبشان شود. در آن روزگار نقش اجتماعی راستینی بر عهده شاعر بود. به نوعی ویژگی ما فوق طبیعی با نام شاعر ملازم بود. و می پنداشتند که گویا قدرتی نامتناهی و نیرومندی به وی الهام می بخشد و یا حتی درون او حلول کرده است.

اشعار حضرت ابوطالب پیام آور ایمان خالص آن حضرت یکی از دلایل روشن و بارزی که دلالت بر اسلام و ایمان و توحید حضرت ابوطالب علیه السلام میکند، اشعار بسیار زیادی است که آن حضرت سروده است و در آنها صریحاً مسئله ی توحید و نبوت را مطرح نموده است. تا جایی که امام صادق علیه السلام فرمودند: امیر المؤمنین علیه السلام بسیار علاقمند بود که اشعار و سرودهای حضرت ابوطالب علیه السلام جمع آوری شود و میفرمود: «تَعَلَّمُوهُ وَ عَلَّمُوهُ أَوْلَادَكُمْ، فَإِنَّهُ كَانَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَ فِيهِ عِلْمٌ كَثِيرٌ.» (۴۵) «آن اشعار را فراگیرید و آنها را به فرزندان خود نیز یاد بدهید، زیرا اشعار حضرت ابوطالب علیه السلام مطابق دین خدا است و علوم بسیاری را در بردارد». علامه ی امینی رحمه الله به نقل از ابن شهر آشوب میفرماید: اشعار آن حضرت که نشانگر روح بلند و استوار و ایمان و اعتقاد راسخ وی میباشد از سه هزار بیت بیشتر است که در اینجا به چند نمونه از اشعار آن حضرت که دال بر اعتقادش بر توحید و نبوت است نقل می کنیم: اَذْبُ وَاَحْمَى رَسُولِ الْاِلٰهِ حِمَايَهٗ حَامٍ عَلَيْهِ سَفِيْقٌ يَعْنِي : من، چون یآوری مهربان و فداکار، از رسول و پیامبر خداوند یکتا دفاع و حمایت میکنم. و باز در جای دیگری خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله میفرماید: وَاللَّهِ لَنْ يَصِلُوْا اِلَيْكَ بِجَمْعِهِمْ حَتَّى اَوْسَدَ فِي التُّرَابِ دَفِيْنًا بِهٖ خَدَا قَسَمٌ كِهٖ اَنْهَآ بِا تَمَامِ نِيْرُو و جمعیتشان هرگز به تو دست نخواهند یافت مگر آنگاه که من در خاک خفته باشم. همچنین «ابو الفداء» دو بیت زیرا از ابوطالب نقل می کند که خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می گوید:

و دعوتی و علمت انک صادق و لقد صدقت و کنت ثم امینا

و لقد علمت بأنّ دین محمد من خیر ادیان البریه دینا . (تو مرا دعوت کردی و من دانستم که تو در ادعایت، صادق هستی و تو آدم امین و درستکار می باشی من (ابو طالب) به یقین دانسته ام که دین محمد از بهترین ادیان است که مردم به آن گرویده اند).

آری اشعار و سروده های ابو طالب کاملا- گواهی بر ایمان و اخلاص او می دهد، خدمات ارزنده او در ده سال آخر عمر گواه محکمی بر ایمان فوق العاده او است ما از میان قصائد طولانی وی قطعاتی را انتخاب نموده و برای روشن شدن مطلب ترجمه آنها را نیز می نگاریم:

در قسمتی از اشعار معروف به «لامیه» می فرماید:

أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ مِنْ كُلِّ طَاعِنٍ عَلَيْنَا بِسُوءٍ أَوْ يَلُوحُ بِبَاطِلٍ

و من فاجر یغتابنا بمغیبه و من ملحق فی الدّین ما لم نحاول

کذبتم و بیت الله نبزی محمدا و لما نطاعن دونه و نناضل

و ننصره حتی نضرع دونه و نذهل عن ابنائنا و الحلائل

پناه می برم به خالق مردم از گروهی که به بدی بر ما طعن می زنند و یا ما را نسبت به باطل می دهند و از شر کسانی که غیبت ما را می کنند و از شر کسانی که اموری را بدین نسبت می دهند و حال آنکه دین شامل آنها نیست، به خالق کعبه دروغ گفتید شما که نسبت دادید به من تبری از محمد صلی الله علیه و آله و سلم و یا بر ضد او جنگی بر پا و شمشیری کشیده باشم. قطعا از او یاری و دفاع می کنم تا جان خود را نثار او کنم به طوری که زن و فرزند خود را فراموش کرده باشم.

و ایض یستسقی الغمام بوجهه ثمال الیتامی عصمه للأرامل

یلوذ به الهلاک من آل هاشم فهم عنده فی نعمه و فواضل

روسفیدی که مردم به برکت روی او طلب باران می کنند، و او فریادرس یتیمان و پناه بیوه زنان است. او بی چاره گان بنی هاشم را پناه است و آنان را از هر گونه نعمت بی نیاز می نماید.

لعمری لقد کلفت وجدا باحمد و احبته حبّ الحیب المواصل

وجدت بنفسی دونه فحمّيته و دافعت عنه بالذریّ و الکواهل

فلا زال للذّنیا جمالا لاهلها و شیئا لمن عادی و زین المحافل

و اّیده ربّ العباد بنصره و اظهر دینا حقّه غیر باطل «۱».

(۱) این قصیده طولانی است ابن هشام در سیره ج ۱، ص ۲۸۶-۲۹۸ از آن ۹۴ بیت ذکر کرده و گفته است آنچه از این قصیده به نظر من صحیح است همان ۹۴ بیت است.

ابن کثیر در تاریخ خود ج ۳، ص ۵۳-۵۷ از آن ۹۲ بیت ذکر نموده ولی «ابو هفان عبدی» در دیوان ابو طالب ص ۳-۱۲ تمام قصیده را که ۱۱۱ بیت است، نقل کرده است.

به جانم قسم به قدری به خاطر وجود احمد (محمد) در وجد و سرورم که وجد و سرور را به زحمت انداخته ام زیرا او را به قدری دوست می دارم مانند دوستی که دوست خود را بغل کرده باشد و جان خود را نثار او کنم و حمایت از او بنمایم و با تمام وجود دفاع از او کنم و خداوند او را پاینده بدارد که زینت اهل دنیاست و نعمت دشمنان و جمال هر گوی و محفل است و آفریدگار جهان او را با توقیعات خود تأیید و یاری نمود و ظاهر کرد دین حقی را که باطل در آن راه نداشت.

از دیگر قصاید مهم آن حضرت که دلالت بر ایمان او دارد قصیده میمیه او است از جمله ابیات آن قصیده این چند بیت است:

یرجون مَنّا خطّه دون نیلها ضراب و طعن بالوشیح المقوم

یرجون ان نسخی بقتل محمّد و لم تختصب سمر العوالی من الدّم

کذبتّم و بیت الله حتّی تفلّقوا جماجم تلقی بالحطیم و زمزم

و ظلم نبیّ جاء یدعوا الی الهدی و امر اتی من عند ذی العرش قیم

امیدوارند که ما بر ضد دین اسلام قیام نموده و شمشیر بکشیم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بکشیم و دین را نسخ کنیم و خود را در رکاب او به خون آلوده نکنیم دروغ می گوئید به خدای کعبه ما از محمد صلی الله علیه و آله و سلم دست بردار نیستیم تا حطیم و زمزم پر از قطعات اجساد کشتگان گردد ... و ظلم بر پیغمبری که برانگیخته شده به منظور هدایت و کتابی که از طرف خالق عرش نازل گردیده، غلط است.

لیعلم خیار النّاس انّ محمّدا وزیر لموسی المسیح ابن مریم

اتانا بهدی مثل ما اتیا به فکلّ بامر الله یهدی و یعصم

اشخاص شریف و فهمیده بدانند که محمد بسان موسی و مسیح پیامبر است، همان نور آسمانی را که آن دو نفر در اختیار داشتند، او نیز دارد و تمام پیامبران به فرمان خداوند، مردم را راهنمایی و از گناه باز می دارند. تمّیتّم ان تقتلوه و أنّما امانیکم هدی کأحلام نائم

نبیّ اتاه الوحی من عند ربّه و من قال: لا یقرع بها سنّ نادم

سران قریش! تصور کرده اند، که می توانید بر او دست بیابید، در صورتی که آرزوئی را که در سر می پرورانید، کمتر از خوابهای آشفته نیست! ... او پیامبر است و حی از ناحیه خدا بر او نازل می گردد و کسی که بگوید نه، انگشت پشیمانی به دندان خواهد گرفت.

الم تعلموا أنا وجدنا محمدًا رسولًا موسی خطّ فی أوّل الکتب

و أنّ علیه فی العباد محبّه و لا حیف فیمن خصّه الله بالحبّ

قریش آیا نمی دانید که ما او (محمد) را مانند موسی پیامبر می دانیم و نام و نشان او در کتابهای آسمانی قید گردیده است و بندگان خدا محبت مخصوصی به وی دارند و نباید در باره کسی که خدا محبت او را در دلها به ودیعت گذارده تأسف خورد. و در اشعاری خطاب به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می گوید: (۱)

و الله لن یصلوا الیک بجمعهم حتی اوسد فی التراب دفینا

فاصدع بامرک ما علیک غضاضه و ابشر بذاک و قر منک عیونا

و دعوتی و علمت أنّک ناصحی و لقد دعوت و کنت ثمّ امینا

و لقد علمت أنّ دین محمد من خیر ادیان البریه دینا . ای برادرزاده ام، هرگز قریش به تو دست نخواهند یافت و تا آن روزی که در زیر خاک دفن شوم، دست از یاری تو بر نخواهم داشت به آنچه مأموری آشکار کن از هیچ چیز مترس، و بشارت ده، و چشمانی را روشن ساز، مرا به آئین خود خواندی و می دانم تو نصیحت کننده من هستی، و در دعوت خود امین و درستکاری، حقا که دین «محمد» از بهترین دینهاست.

او توّمنوا بکتاب منزل عجب علی نبیّ کموسی او کذی النّون «۱». با این که ایمان به قرآن سراپا شگفتی بیاورید که بر پیامبری مانند موسی و یونس نازل گردیده است.

لقد اکرم الله النّبیّ محمّدا فاکرم خلق الله فی النّاس احمد

و شقّ له من اسمه لیجلّه فذو العرش محمود و هذا محمّد

خداوند محمد پیامبر را گرامی داشت، پس گرامی ترین بندگان خدا در میان مردم «احمد» است برای این که او را با جلالت نماید نام او را از نام خود مشتق ساخته پس صاحب عرش «محمود» است و این «محمد» است.

و از همه صریحتر بر ایمان جناب ابو طالب بیت زیر است که می فرماید:

یا شاهد الله علیّ فاشهد أنّی علی دین النّبیّ احمد

من ضلّ فی الدّین فأنّی مهتد .

ای شاهد خدا، شاد باش که من بر دین پیغمبر خدا احمد (محمد) هستم، هر کس از آن خارج است، باشد من به وسیله او هدایت شدم.

هر یک از این قطعات قسمت کوچکی از قصائد مفصل و سراپا ادب و نغز ابو طالب است که ما به عنوان نمونه، برجسته ترین آنها را که به طور صریح ایمان او را به دین برادرزاده اش می رساند، انتخاب نمودیم.

خلاصه سخن: هر یک از این اشعار در اثبات ایمان و اخلاص گوینده آنها کافی است و اگر گوینده این اشعار کسی بود خارج از محیط اغراض و تعصبات، همه بالاتفاق به ایمان و اسلام گوینده آن حکم می کردند، ولی از آنجائی که گوینده این اشعار ابو طالب، پدر امیر مؤمنان علی (علیه السلام) است، دشمنی و کینه ورزی آنها با علی (علیه السلام) سبب شده، فضائل و کمالات پدرش نیز مثل خودش به حساب نیاید و لذا دستگاه های تبلیغاتی امویها و عباسیها همواره بر ضد آل ابی طالب فعالیت می کرد.

و دیگر این که چون کفر و شرک پدران خلفای دیگر منقصتی نسبت به آنها به حساب می‌آمد برای این که تمام خلفا در یک صف قرار گیرند و هیچ کدام را از این لحاظ مزیتی بر دیگری نباشد، لذا علیرغم تمام این سروده‌ها و گفتارها و کردارهای صادقانه، گروهی به تکفیر جناب ابوطالب برخاسته‌اند

ترجمه الطرائف، ص: ۴۵۲ تا ص: ۴۵۶

### مدح حضرت ابوطالب علیه السلام

#### این مرغ طبع مست من خواهد ز نو غوغا کند

در مدح سید بطحا ابی‌الائمه الطاهرین حضرت ابوطالب علیه السلام

این مرغ طبع مست من خواهد ز نو غوغا کند تا چند بیتی منقبت از سید بطحا کند باب علی شیر خدا هم بر امامان هدی از نسل او کوثر ظهور از شاخه طوبی کند فرمود پیغمبر چنین گر جمله خلق زمین از نسل او بودند شیر از جملگی پروا کند این جمله مولای دین در وصف بابایش ببین فرمود امیرالمؤمنین تا دشمنش رسوا کند گردد اگر از مذنبین شافع به روز واپسین حق این شفاعتنامه را بادت خود امضا کند در فضل او این جمله بس از بهر هر ناکس و کس تقسیم خلد و نار را فرزند این آقا کند سیمرخ خوش پرواز دین در غربت و آغاز دین در نصرت دین و نبی تنها علم برپا کند بعد از وفاتش چون نبی بی ناصر و یاور شده فرمان هجرت آمد و باید که او اجرا کند فرمود در وصفش امام از صد هزاران این کلام کاین یک سخن تنها فقط هر کور را بینا کند ایمان او در یک طرف ایمان جمله آن طرف آید به پایین کفه اش آن کفه را بالا کند در باغ اعلای جنان داده خدا او را مکان هر کس خلاف این بیان در قلب او جا واکند مکتوب فرموده رضا آن کاتب لوح قضا کارش به دوزخ می کشد آنجا خودش مأوا کند هر کس یتیمی را شود کافل نبی فرموده او همچون دو انگشت از یدی با من به جنت جا کند کافل ابوطالب بود با شد نبی هم آن یتیم ابن حدید سنیان آن را چنین معنا کند «سائل» ندارد یک عمل دنبال او گرگ اجل خواهد به مدحش خویش را در بردگانش جا کند تو سید بطحایی و ما «سائل» در گاه تو از پور مظلومت بخواه او یک نظر بر ما کند

**ابوطالب که عمران است نامش**

ابوطالب که عمران است نامش  
بود واجب در اسلام احترامش  
اگر سنجند ایمانش به میزان  
ز عالم کفّه او راست رجحان  
در آن عصر و زمان مانند خورشید  
به قلبش بود تابان نور توحید  
در آن دنیای شرک و بت پرستی  
که هر کس بود گرم عیش و مستی  
ز الطاف خدای حیّ سرمد  
جهان روشن شد از نور محمّد  
چو عبدالله روان شد سوی عقبی  
پس آن درّ یتیم آمد به دنیا  
ابوطالب عموی آن پسر بود  
بر او در مهربانی چون پدر بود  
پیمبر چون یتیم آمد به دنیا  
ابوطالب کفالت کرد او را  
کفیل او چو شد آن مهربان عم  
حمایت کرد از او تا آخرین دم  
چه فرزندان نیکویی که او داشت  
که هر یک پرچم دین را برافراشت



یکیشان حیدر گزار بودی

یکی شان جعفر طیار بودی

شد او را بهترین فرزند حیدر

که باشد ساقی کوثر به محشر

ابوطالب پیمبر را سپر بود

که در هر حال محفوظ از خطر بود

ولی چون او برفت از دار دنیا

روان شد سوی پیغمبر خطرها

ابوطالب همان دلسوز مبعث

به جنت رفت قبل از روز مبعث

چو رفت آن والد طیار و گزار

ز فقدانش پیمبر شد عزادار

پیمبر در عزایش گریه ها کرد

ز سوز دل برای وی دعا کرد

بین (نحوی) ابوطالب چه ها کرد

که حق را با نبی از خود رضا کرد

اشعار از حجه الاسلام سید مصطفی نحوی

**نبود راه تو از دین! جدا ابوطالب**

نبود راه تو از دین! جدا ابوطالب

ز قول حضرت صادق به شأن حضرت تو



روایتی است بسی جانفزا! ابوطالب  
 که گفت کفّ؟ ایمان توست سنگین تر  
 ز کفّ؟ هم؟ ماسوا! ابوطالب  
 خدا گواست که اسلام ناب، خط تو بود  
 به پیشگاه رسول خدا! ابوطالب چو دشمنان علی بود بابشان کافر  
 زدند بر تو به کفر، افترا، ابوطالب  
 قسم به پای؟ ایمان تو، به حضرت تو  
 روا نبود چنین ناروا! ابوطالب  
 تویی تویی پدر نفّسِ مصطفی - حیدر -  
 سلام بر تو و بر مصطفا! ابوطالب  
 تمام عمر رسول خدا ندید از تو  
 !به جز محبت و مهر و وفا ابوطالب  
 به دشمنی علی دشمنان دین کردند  
 !هماره بر تو و حیدر جفا ابوطالب  
 مزار توست دل و زائرت کبوتر جان  
 !حریم تو حرم کبریا ابوطالب  
 به حق سزااست که شیخ الصحابه ات خوانند  
 !که بر صحابه تویی مقتدا ابوطالب  
 از ابتدای نبوت تو با نبی بودی  
 !جدا نگشتی، تا انتها ابوطالب  
 به روز حشر به یمن ولایت پسرت

بُود به دامن تو دست ما ابوطالب

تو دور ختم رسل گشتی و شدی سپرش

!به پیش فتن؟ بوجهل‌ها ابوطالب

خداپرستی تو همچو آفتاب عیان

به! چشم خلق بُود ز ابتدا ابوطالب

عجب نه گر که علی دوستان کنار علی

تو را! زنند به محشر صدا ابوطالب

چهارده صده بگذشته و هنوز هنوز

جلال و قدر تو! مخفی است یا ابوطالب

تو و خدیج؟ کبری دو یار قرآنید

خداست از تو و از او! رضا، ابوطالب

تو گویی آنکه رسول خدا به باغ بهشت

کند هنوز به روح دعا! ابوطالب

تو را به جان عزیز دلت - علی - از ما

!میوش چشم به روز جزا ابوطالب وفات تو به رسول خداست عام الحزن

!گرفت بر تو پیمبر عزا ابوطالب

قسم به دینِ نبی، مؤمنِ قریش تویی

؟! به ماتم تو نگریم چرا ابوطالب

سلام «میثم» بر تربت مطهر تو

!مراست از تو امید دعا ابوطالب

### امدافعِ حرمِ کبریا، ابوطالب

امدافعِ حرمِ کبریا، ابوطالب

ابوالائمه، ابوالاولیا، ابوطالب

سلام ختم رسل بر تو و به ایمانت

که همچو کوه بود! پا به جا ابوطالب

عجب نه گر که کند روز غربتِ اسلام

نبی به حضرت تو! انکا ابوطالب

چنانکه بین علی و نبی جدایی نیست

### قلم به گرفتم که تا کنم انشا

قلم به گرفتم که تا کنم انشا به لطف ایزد مَنان قصیده ای شیوا برای آنکه خدایم به من دهد توفیق نموده بلبلِ طبعم توکلی پیدا زدم به دامن احمد که خاتم عشق است به گفتن صلواتش توسلِی گیرا به نیت عدد اسم یاورش یعنی همان علی که بود نام نامیش یکتا برای گفتن هر بیت کرده ام نیتِ نمایشِ صلوات و درود حق اهدا کسی که مدح و ثنایش بود مرا مقصود وصیّ جدّ نبیّ است و سید بطحا به شام کفر، یگانه پرست و حق جویی که بوده بنده ی درگاه ربّ بی همتا همان که می رسد او را نسب به ابراهیم همان که خوانده محمّد ز اوصیا او را به نام حضرت عمران، عموی پیغمبر به کنیه بوده ابوطالب آن شه والا کسی که بهر بیان مقام ایمانش ز امثال به اصحاب کهف شد ایما کسی که جمله امامان نموده اند اجماع که بوده پیرو دین و ولایت آنها کسی که بهر پیمبر ز کودکی بوده ولی و قیم و دلسوز و همدمی دانا هم او به فصل جوانی برای پیغمبر نموده خواستگاری خدیجه ی کبرا ز بعد بعثت پیغمبر خدا بوده نصیر و یاور او در مصاف با اعدا همان که هدیه به پیغمبر خدا داده امانتی ز سلیمان و حضرت موسا همان که اهل حجاز از دعای بارانش به دیده دیده که صحرا شاده همه دریا بزرگ مرتبه شاه حجاز ابوطالب که تکیه زد به سریر صداقت و تقوا به شأن و منقبت آن جناب بس باشد همین که بر علی عالی است او بابا دریغ و درد که در اوج غربت احمد امیر مکه غریبانه رفت از این دنیا نمود غسل و کفن پیکر پدر حیدر شرار غم به دلش زین فراق شد بر پا به سوگ رفتن او چون نشست پیغمبر بریخت اشک دمام ز دیده سیل آسا ز سوی حق به رسولش بگفت جبرائیل دگر ز مکه برون شو که گشته ای تنها بخواند روضه به تشییع

پیکرش احمد نمود وصف جمالش به جنت المأوا به اهل مکه رسول خدا چنین فرمود که دارد او ز من اذن شفاعت عقبا گرفته بعد وفات از برای او نایب علی که حج ز برایش بیاورد بر جا به روز حش ندارد غمی دگر (راضی) اگر شفاعتِ او را کند شه بطحا محمد حسن زاده (راضی)

ص: ۲۷

## شده طوطی طبع من ثناخوان ابوطالب

شده طوطی طبع من ثناخوان ابوطالب تمام هستیم بادا به قربان ابوطالب که جز معصوم باید دم زند از حق عرفانش؟ نه هر کس آشنا باشد به عرفان ابوطالب نظیر ليله القدری که ناپیدا بود قدرش عیان بر خلق نبود قدر پنهان ابوطالب به ایثار و خلوص و عشق و عرفان و جوانمردی گواهی میدهد اشعار دیوان ابوطالب بود لعن خدا بر هر که او را مشرکش خواند که غرق نور حق باشد دل و جان ابوطالب چه توفیقی از این بهتر که بابای علی باشد؟ بنازم من به این توفیق شایان ابوطالب به میلاد علی لوحی برای تسمیت آمد خدا بگذاشت آن را روی دامن ابوطالب مپرس از من که جانان ابوطالب که می باشد؟ بود شخص رسول الله جانان ابوطالب از آن روز الستی که برای یاری احمد تعهد داد، ثابت ماند پیمان ابوطالب سبب شد تا نبی آیین خود را منتشر سازد تلاش بی امان، سعی فراوان ابوطالب چنین فرمود پیغمبر، که از ایمان خلق الله وزینتر هست اندر کفه، ایمان ابوطالب یقیناً «ملتجی» با ذکر این اشعار ناقابل نگردد نا امید از لطف و احسان ابوطالب

## قلم قاصر به انشای سجایای ابوطالب

قلم قاصر به انشای سجایای ابوطالب خرد در مانه و حیران و شیدای ابوطالب علی را باب خوش منظر گرامی عم پیغمبر خدایی چهره ای بنگر به سیمای ابوطالب سخن سنج و قدر قدرت عرب را مایه عزت برآزد این چنین خلعت به بالای ابوطالب عرب را مرد میدانها عجم را فخر ایوانها درون قلب انسانها بود جای ابوطالب گل توحید بوییده، ره حق بس که پوییده ملک همواره بوسیده، کف پای ابوطالب حرم را خادم و محرم، نبی را یاور و همدم به جز حق نشنوی یکدم، تو از نای ابوطالب کلید کعبه در دستش صفا و مروه سرمستش خدا داده همه هستش به ابنای ابوطالب منم مداح او (قادر) ز لطفش حامد و شاکر کند شرمنده ام آخر عطایای ابوطالب یقین دارم که در محشر ز دست شاه دین حیدر بنوشم باده ی کوثر ز مینای ابوطالب قاسم قادری

## شعر ابن ابی الحدید در منقبت حضرت ابوطالب علیه السلام

ابن ابی الحدید معتزلی از علمای عامه در فضل و منقبت حضرت ابوطالب اینگونه اعتراف به مقام ایشان مینماید:

وَلَوْ لَا أَبُو طَالِبٍ وَابْنُهُ

لَمَا مُتَّلَ الدِّينُ شَخْصًا فَقَامَا

فَذَاكَ بِمَكَّةَ آوَى وَحَامَى

وَ هَذَا يَبْتَرِبُ جَسَّ الْحَمَامَا

یعنی اگر حضرت ابوطالب علیه السلام و فرزندش امیرالمؤمنین علیه السلام نبودند هیچ اثری از اسلام نمی ماند. ابوطالب علیه السلام در مکه پیامبر را پناه داد و حمایت کرد و فرزندش علی بن ابیطالب علیه السلام نیز در مدینه در رکاب او جنگید و او را یاری نمود.

### وفات

روایت شده است که چون ابوطالب وفات یافت، به پیغمبر وحی شد «از مکه خارج شو که یاورت از دنیا رفت!» این مرد پدر علی (علیه السلام) است.»

حضرت ابوطالب در ۲۶ ماه رجب المرجب و به قولی سه روز پس از وفات حضرت خدیجه در سال دهم بعد از بعثت از دنیا رفتند که بر ابر زیادی حزن پیامبر در آن سال آنرا عام الحزن نامیدند.

هنگامی که جنازه ابوطالب را می بردند تا در حجون دفن کنند (حجون دامنه کوهی در مکه است و به قبرستان «جنه المعالا» معروف می باشد. امروز این نقطه در کنار خیابان و پلی است که به نام ابوطالب معروف است. خدیجه و عبدمناف جد دوم ابوطالب و قاسم اولین پسر پیغمبر که در کودکی وفات یافت همگی در آنجا آرمیده اند.) پیغمبر با پای برهنه در حالی که به سختی می گریست دنبال جنازه او راه می رفت و می گفت: چه عمومی خوبی برای من بودی، بعد از تو کجا بروم؟! مورخ مشهور ابن هشام می نویسد: هنگامی که حضرت ابوطالب از دنیا بار سفر را بستند قریش بیش از پیش به آزار حضرت پرداختند، تا جایی که مردی از سفیهان قریش با پیغمبر درگیر شد و خاک به سر حضرت پاشید. وقتی پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم با آن وضع وارد خانه اش شد، یکی از دخترانش (بی بی فاطمه زهرا سلام الله علیها) برخاست و در حالی که خاک از سر و لباس پدر فرو می ریخت می گریست، و پیغمبر به دخترش می گفت: دختر کم! گریه مکن که خدا پشتیبان پدر توست، و می فرمود: قریش نتوانستند مرتکب کاری شوند که مرا بیازارد تا اینکه حضرت ابوطالب از دنیا رفتند. (سیره ابن هشام جلد ۲ ص ۲۸۲)



-یعقوبی می نویسد: حضرت ابوطالب علیه السلام سه روز بعد از ام المومنین حضرت خدیجه دار فانی را وداع گفتند، و در آن هنگام هشتاد و شش سال داشتند، و گفته اند که نود ساله بود. چون به پیغمبر صلی الله علیه و اله خبر دادند که حضرت ابوطالب وفات یافته است، سخت دلتنگ شد و به شدت منقلب گردید. سپس برخاست و به خانه حضرت ابوطالب آمد و چهار بار دست به سمت راست پیشانی و سه بار به سمت چپ پیشانی او کشید، آن گاه گفت: ای عمو! خردسالی را پرورش دادی، و یتیمی را پرستاری نمودی، و چون او (منظور خود پیغمبر است) بزرگ شد، یاریش کردی. خدا از جانب من به تو پاداش دهد. سپس به دنبال جنازه اش به راه افتاد، در حالی که می گفت: پیوند خویش را به خوبی رعایت نمودی و پاداش نیکی گرفتی. و فرمود: «در این روزها برای این امت دو مصیبت رخ داد که نمی دانم برای کدام یک بیشتر منقلب هستم» منظور حضرت، مصیبت شهادت ام المومنین حضرت خدیجه سلام الله علیها و حضرت ابوطالب علیه السلام بود خدایا به حق روز یتیمی مولای مظلوممان آقا امیرالمومنین علیه السلام، ما شیعیان حیدر کرار علیه السلام را از یتیمی خلاص کن و الساعه فرج آقا و سرورمان \_ حضرت حجّت بن الحسن العسکری علیه السلام \_ را برسان .

### کتابنامه حضرت ابوطالب علیه السلام

#### اشاره

ابوطالب علیه السلام در آینه کتاب

امروزه اهمیت فهرست نویسی و کتابنامه نگاری بر احدی پوشیده نیست چرا که کتابنامه کلید دستیابی به میراث گرانبهای گذشتگان است. (۵۰)

این فهرست حاصل بیش از ده سال تحقیق و بررسی پیرامون مظلوم تاریخ حضرت ابوطالب علیه السلام میباشد که اینک در اختیار دانش پژوهان، مؤلفین، نویسندگان، شعرا و ناشرین محترم قرار میگیرد و به زودی همراه با توضیحات کامل، تصاویر کتب، شرح حال پدیدآوردگان، محل چاپ یا وجود نسخ خطی آن، تحت عنوان «کتابنامه حضرت ابوطالب علیه السلام» به زیور طبع آراسته خواهد گردید.

ص: ۳۰

امید است همانگونه که چاپ و نشر «کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام» توسط استاد علی اکبر مهدی پور با معرفی بیش از ۲۰۰۰ عنوان کتاب پیرامون امام زمان علیه السلام موجب شد در عرض کمتر از ۱۰ سال مؤلفین، شعراء، نویسندگان، و ناشرین محترم چه در ایران و چه در سایر نقاط جهان دست به کار شده و کتب زیادی را درباره آن ولی دوران پدید آورند، گرد و غبار غربت از این گنجینه‌ی پر بها و ارزشمند نیز زدوده شده و بدین وسیله شیفتگان و ارادتمندان به اهل بیتعلیهم السلام با این حامی بزرگ رسالت آشنا گردند.

ارائه این کتابنامه میتواند گام مؤثری در احیاء یاد و نام آن بزرگوار در عرصه تحقیق و تألیف کتب ارزشمند باشد.

نشر کتب و آثار قدیمی پیرامون حضرت ابوطالب علیه السلام، شرح و ترجمه اشعار، تحلیل و بررسی پیرامون ایمان آن حضرت، شرح احوالات فرزندان ایشان، معرفی و شرح و ترجمه روایاتی که حضرت ابوطالب علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله روایت کرده و... از مواردی هستند که جای دارد در مورد آن فعالیت شود. و اینک این شما و این عناوین برخی از کتبی که مستقلاً در مورد حضرت ابوطالب علیه السلام نوشته شده است:

۱- ابوطالب علیه السلام آموزگار پاسداری / محمد محمدی اشتهاردی

۲- ابوطالب علیه السلام / باقر قربانی زرین / فارسی

۳- ابوطالب علیه السلام تجلی ایمان / سید مجید پورطباطبایی فارسی

۴- ابوطالب علیه السلام چهره درخشان قریش / احمد بن زینی دحلان

۵- ابوطالب علیه السلام حامی الرسول صلی الله علیه وآله / نجم الدین عسکری

۶- ابوطالب علیه السلام عم الرسول صلی الله علیه وآله / محامی محمد کامل حسن

- ۷- ابوطالب علیه السلام عملاق الإسلام الخالد / محمد علی اسبر / عربی
- ۸- ابوطالب علیه السلام كافل النبي صلى الله عليه وآله و ناصره / استاد احمد خیری باشا.
- ۹- ابوطالب علیه السلام مكفیل الرسول / سعید عسلی / عربی
- ۱۰- ابوطالب علیه السلام / محمد رضا طیبی
- ۱۱- ابوطالب علیه السلام مظلوم تاریخ / علامه امینی / فارسی
- ۱۲- ابوطالب مؤمن قریش / عبدالله بن شیخ علی خنیزی قطیفی
- ۱۳- ابوطالب علیه السلام مناصر الرسول / کمال السید / ترجمه اردو: نثار احمد زین پوری
- ۱۴- ابوطالب علیه السلام مناصر الرسول / کمال السید / عربی
- ۱۵- ابوطالب علیه السلام و بنوه / محمد علی آل سید علیخان
- ۱۶- ابوطالب علیه السلام یگانه مدافع اسلام، مؤمن قریش / مترجم: محمدی اشتهاردی
- ۱۷- اتحاف الطالب بنجاه ابی طالب علیه السلام / محمد بن عبد السلام جنون
- ۱۸- اسنی المطالب فی نجاه ابی طالب علیه السلام / احمد زینی دحلان / تحقیق صالح الوردانی
- ۱۹- البیان عن خیره الرحمن فی ایمان ابیطالب علیه السلام و آباء النبیعلیهم السلام
- ۲۰- الحجه علی الذاهب الی تکفیر ابی طالب علیه السلام / فخار بن معدّ موسوی
- ۲۱- الدرّه الغراء فی شعر شیخ البطحاء / باقر قربانی زرّین
- ۲۲- الرغائب فی ایمان ابی طالب علیه السلام / علامه سید مهدی غریفی بحرانی
- ۲۳- الروض النزیه فی الاحادیث الّتی رواه ابوطالب علیه السلام عن ابن اخیه صلی الله علیه وآله / شمس الدین محمد بن علی بن احمد بن طولون صالحی دمشقی
- ۲۴- القصیده الغراء فی ایمان ابی طالب علیه السلام شیخ البطحاء / سید احمد خیری حنفی مصری

۲۵ - القول الواجب فی ایمان ابی طالب علیه السلام / محمد علی علی فصیح هندی

۲۶ - الیاقوته الحمراء فی ایمان سید البطحاء / طالب حسینی آل علی خان مدنی

۲۷ - ایمان ابی طالب / ابوالحسین احمد بن محمد الکندی الجرجانی

۲۸ - ایمان ابیطالب علیه السلام / شیخ مفید

۲۹ - ایمان ابیطالب علیه السلام / ابوعلی کوفی، احمد بن محمد بن عمار

۳۰ - ایمان ابیطالب علیه السلام / ابومحمد سهل بن احمد بن عبدالله بن سهل دیاجی

۳۱ - ایمان ابیطالب علیه السلام / ابونعیم علی بن حمزه بصری تمیمی لغوی

۳۲ - ایمان ابی طالب علیه السلام / احمد بن قاسم

۳۳ - ایمان ابیطالب علیه السلام / سید جمال الدین احمد بن طاوس حسینی حلّی

۳۴ - ایمان ابیطالب علیه السلام و احواله و اشعاره / میرزا محسن قره داغی.

۳۵ - بُغیة الطالب فی ایمان اسلام ابیطالب علیه السلام / سید محمد عباس موسوی لکهنوی

۳۶ - بُغیة الطالب فی بیان احوال ابی طالب و اثبات ایمانه و حسن عقیدته / سید محمد حیدر بن نور الدین علی موسوی حسینی  
عاملی

۳۷ - بُغیة الطالب فی نسب آل ابی طالب علیه السلام / قاسم بن احمد واسطی رفاعی شافعی

۳۸ - بُغیة الطالب لایمان ابی طالب / محمد بن عبد الرسول برزنجی شافعی

۳۹ - بُغیة الطالب لایمان ابی طالب و حسن خاتمته / جلال الدین سیوطی

۴۰ - بلوغ المآرب فی نجاه آبائه صلی الله علیه وآله و عمّه ابی طالب علیه السلام / سلیمان ازهری لاذقی

۴۱ - ترجمه اسنی المطالب فی نجاه ابیطالب علیه السلام / سید مقبول احمد / اردو

- ۴۲ - جزوه بیست و ششم رجب / حاج شیخ محمد حسن مولوی قندهاری
- ۴۳ - حضرت ابوطالب علیه السلام تندیس ایمان / اشرف آشوری / ماهنامه کوثر شماره ۲۰
- ۴۴ - حضرت ابوطالب علیه السلام شخصیت بزرگ عالم اسلام / ؟ / پاسدار اسلام ۶۲/۳ / ۲۱
- ۴۵ - حضرت ابوطالب علیه السلام مظلوم تاریخ / ابو حیدر
- ۴۶ - حیاہ ابی طالب علیہ السلام / شیخ خالد انصاری
- ۴۷ - خورشید حجاز مدایح و مناقب حضرت ابوطالب علیہ السلام / ابو حیدر
- ۴۸ - در بلندای قامت ایمان / سید مجید پورطباطبایی
- ۴۹ - دوحه الشرف فی نسب آل ابی طالب علیہ السلام / حسن بن علی قطان مروزی
- ۵۰ - دیوان شیخ الأبطح ابوطالب علیہ السلام / ابوهقان عبدالله بن احمد مهزومی
- ۵۱ - رمضان در تاریخ (قسمت حضرت ابوطالب) / آیه الله العظمی صافی گلپایگانی
- ۵۲ - زندگی پر افتخار حضرت ابوطالب علیہ السلام / محمد محمدی اشتهاردی
- ۵۳ - زهره الادباء فی شرح لامیه شیخ البطحاء / شیخ جعفر النقدی
- ۵۴ - ساقی تشنگان خدا نگاهبان رسول خدا صلی الله علیه وآله / سید احمد روضاتی اصفهانی
- ۵۵ - سخنی چند پیرامون حضرت ابوطالب / ابو حیدر
- ۵۶ - سید البطحاء / محمود بغدادی
- ۵۷ - سید قریش / معروف ارناووت
- ۵۸ - شیخ الأبطح ابوطالب علیہ السلام / سید محمد علی آل شرف الدین العاملی الموسوی
- ۵۹ - شیخ الأبطح او ابوطالب علیہ السلام / سید محمد علی آل شرف الدین موسوی عاملی
- ۶۰ - شیخ بنیهاشم ابوطالب عمّ النبی / عبدالعزیز سید الأهل
- ۶۱ - طلبه الطالب فی شرح لامیه ابی طالب / علی فهمی مصری شافعی
- ۶۲ - عقیده ابی طالب علیہ السلام / سید طالب حسینی رفاعی



۶۳ - عمده الطالب / سید جمال الدین احمد بن علی الحسینی

۶۴ - غایه المطالب فی ایمان ابی طالب / علی کبیر بن علی جعفر حسینی هندی

۶۵ - غایه المطالب فی شرح دیوان ابیطالب علیه السلام / محمد خلیل خطیب مصری

۶۶ - فصاحه ابی طالب / ابو محمد حسن بن علی الأطروش

۶۷ - فضل ابیطالب و عبدالمطلب و عبدالله ابیالنبی صلی الله علیه و آله / سعد بن عبدالله اشعری قمی

۶۸ - فقدان همسر و کفیل / سید مجید پورطباطبایی

۶۹ - فیض الواهب فی نجاه ابیطالب علیه السلام / شیخ احمد فیضی

۷۰ - محبوب الرغائب فی ترجمه اسنی المطالب / محمد نجم الدین مروزی

۷۱ - مقصد الطالب فی ایمان آباء النبی و عمه ابوطالب علیه السلام / میرزا محمد حسین گرگانی

۷۲ - منی الطالب فی ایمان ابی طالب علیه السلام / محمد بن احمد خزاعی نیشابوری

۷۳ - منتهی الراغب فی ایمان ابی طالب علیه السلام / علامه محمد رضا طبسی نجفی

۷۴ - منتهی الطالب فی ایمان ابی طالب علیه السلام / سید حسین طباطبایی یزدی

۷۵ - منتهی الطالب فی حیاه ابیطالب علیه السلام / سید حسن قیانچی حسینی نجفی

۷۶ - منتهی الطالب فی مستدرک دیوان سید الأبطح ابی طالب علیه السلام / محمد باقر محمودی

۷۷ - مواهب الواهب فی فضائل ابی طالب علیه السلام / محمد جعفر نقدی

Abu-talib the supporter of the Prophet / KAMAL AL-SAYYID / Ansaryian publications / - ۷۸

QUM ۱۳۷۹-۲۰۰۰

/ STUDU ON THE LIFE OF ABU TALIB / MAKTABA TUS SAQALAIN / QUM IRAN- ۷۹

ماخذ: وبلاگ حضرت ابوطالب علیه السلام

.....

فت خاموش! خدا دهانت را بشکند سوگند به آنکس که محمد را به راستی به پیامبری فرستاد که اگر پدرم درباره همه گنهکارانی

که روی زمین اند به شفاعت برخیزد خدا شفاعت او را می پذیرد. پدر من در آتش کیفر ببیند؟ با آنکه پسرش بخش کننده بهشت و دوزخ است سوگند به آنکه محمد را براستی فرستاد که در روز قیامت نور پدرم ابوطالب روشنی های همه آفریدگان را خاموش می کند مگر ۵ نور را: نور محمد و نور فاطمه و نور حسن و حسین و نور فرزندان او از امامان را همان نور او از نور ما است که خدا آن را ۲۰۰۰ سال پیش از خلقت آدم آفریده است.

ص: ۳۵



المناقب المائه از شیخ ابو الحسن ابن شاذان کنز الفوائد از کراچکی ص ۸۰

ترجمه الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، ج ۱۴، ص: ۳۴۸

### مقام حضرت ابوطالب علیه السلام از دیدگاه مخالفین

#### گفتار ابن ابی الحدید

گفتار ابن ابی الحدید راجع به ابوطالب و همسرش فاطمه دختر اسد ابن ابی الحدید در بیان اوصاف حضرت علی (علیه السلام) و معرفی آن حضرت از جمله می نویسد: «نمی دانم درباره مردی که پدرش ابوطالب بزرگ سرزمین مکه و حومه آن و سرور قریش و رئیس شهر بود چه بگویم؟ تا آنجا که راجع به او گفته اند: کمتر اتفاق افتاده است که آدم تهی دستی، سروری پیدا کند. ابوطالب تنگدست بود، و ثروتی نداشت، ولی قریش او را بزرگ خود می دانستند و به وی «شیخ» می گفتند.

#### در روایت «عقیف کندی»

در روایت «عقیف کندی» است که گفت: در آغاز نزول وحی بر پیغمبر، روزی دیدم آن حضرت نماز می گزارد و پسر بچه ای (علی علیه السلام) و زنی هم به وی اقتدا کرده اند. عقیف گفت: از عباس عموی پیغمبر پرسیدم اینها کیستند؟ عباس گفت: این برادرزاده من است و مدعی است که پیغمبر و فرستاده خدا می باشد، ولی جز این پسر بچه که او نیز برادرزاده من است کسی از وی پیروی نمی کند. این زن هم (خدیجه) همسر او است. عقیف پرسید: شما چه عقیده دارید: عباس گفت: ما صبر می کنیم بینیم «شیخ» یعنی ابوطالب چه می کند! سپس ابن ابی الحدید می گوید: ابوطالب بود که در ایام خردسالی پیغمبر کفالت و سرپرستی آن حضرت را به عهده گرفت و پس از آن که پیغمبر از جانب خداوند مبعوث گردید به دفاع و حمایت از وی برخاست و شر مشرکین را از او دور ساخت، و در این راه دچار ناراحتی عظیم و مصیبتی کمر شکن گردید، ولی با این وصف او در یاری و پیشرفت دین اسلام استقامت ورزید.

ص: ۳۶

## ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه»

ابن ابی الحدید در «شرح نهج البلاغه» نیز درباره شخصیت ابوطالب سخن می‌گوید، و اشعاری در مدح ابوطالب گفته است که از جمله دو بیت است: اگر ابوطالب و فرزند او (علی) نبود، قامت دین اسلام استوار نمی‌گشت. او خود در مکه به پیغمبر پناه داد و از وی حمایت نمود، و فرزندش (علی) در مدینه به دفاع از پیغمبر خود را به کام مرگ فرو برد. (شرح نهج البلاغه - جلد ۱۴ ص ۸۴ و لولا ابوطالب و ابنه لما مثل الدین شخصا و قاما فذال بمکه آوی و حاما و هذا به یثرب جس الحماما) «ابن ابی الحدید در مقدمه شرح نهج البلاغه را جمع به فاطمه همسر ابوطالب می‌نویسد: وقتی او در مدینه وفات یافت پیغمبر پیراهن خود را داد تا کفن او کنند و او را مادر خطاب می‌کرد، سپس در قرستان بقیع پیش از دفن وی، به درون قبر او رفت و لحظه‌ای آرمید و سفارش فاطمه دختر اسد را به خاک قبر کرد آن گاه بیرون آمد و گفت حالا جنازه را دفن کنید!! این زن مادر علی علیه السلام است که در خردسالی از پیغمبر اسلام پرستاری نموده بود. ابن ابی الحدید در آخر می‌گوید: این احترامی که پیغمبر برای فاطمه مادر علی علیه السلام معمول داشت، نصیب هیچ کس نشد.»

## ابن وحشی

-امام احمد بن حسین موصلی حنفی مشهور به ابن وحشی در شرح خود بر کتاب موسوم به شهاب الاخبار- به خامه علامه محمد بن سلامه قضاعی متوفی ۴۵۴- می‌نویسد: برآستی دشمنی با ابوطالب کفر است و به همین گونه از میان امامان مالکیان هم علامه علی اجهوری در فتاوی خود آشکارا بر این قول رفته

ص: ۳۷

## تلمسانی

تلمسانی در حاشیه خود بر شفاء که چون یاد از ابوطالب می کند می نویسد: سزاوار نیست که او را جز بعنوان پشتیبان پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) یاد کنند زیرا وی را با گفتار و کردار خود یاری و پشتیبانی کرده. پس هر کس او را به گونه ای ناخوش یاد کند پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) را آزرده و آزار دهنده پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) کافر است و کافر را باید کشت و ابو طاهر گفته: هر که ابوطالب را دشمن دارد کافر است.

ترجمه الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، ج ۱۴، ص: ۳۳۹

## معرفی اجمالی

## نام لقب کنیه

مولا امیر المومنین علیه السلام: ...سوگند به آنکس که محمد را به راستی به پیامبری فرستاد که اگر پدرم درباره همه گنهکارانی که روی زمین اند به شفاعت برخیزد خدا شفاعت او را می پذیرد.

....سوگند به آنکه محمد را بر راستی فرستاد که در روز قیامت نور پدرم ابوطالب روشنی های همه آفریدگان را خاموش می کند مگر ۵ نور را: نور محمد و نور فاطمه و نور حسن و حسین و نور فرزندان او از امامان را همان نور او از نور ما است

نام ابو طالب علیه السلام

حضرت ابو طالب با کنیه، معروف و نام نامی اش «عبد مناف» بود. نقل دیگر، «عمران» است که صاحب کتاب عمده، آن را تضعیف کرده است.

ترجمه الغدير فی الكتاب و السنه و الادب، ج ۱۴، ص: ۳۴۷

## نسب حضرت

پدر حضرت ابوطالب حضرت عبدالمطلب (علیه السلام) جد امجد رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم که از نسل حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام، و از جهت مادرشان، حضرت عبدالله پدر رسول خدا و حضرت ابوطالب (علیهما السلام) از یک مادر بودند و باقی اولاد عبدالمطلب از مادران متفرق بودند.

ص: ۳۸

حضرت ابوطالب علیه السلام ۳۵ سال قبل از عام الفیل سال ولادت با سعادت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در امّ القرای عالم اسلام یعنی شهر مکه متولد گردید. یعنی حضرت ابوطالب علیه السلام هنگام ولادت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۳۵ سال داشت و هنگامی که کفالت پیامبر در ۸ سالگی به آن حضرت سپرده شد ۴۳ سال از عمر شریفش گذشته بود و با توجه به اینکه رحلت آن بزرگوار در ۵۳ سالگی پیامبر بوده سن شریف آن حضرت در هنگام وفات ۸۸ سال بوده .

### توسل به حضرت ابوطالب علیه السلام

شریف ابن معد در کتاب الحجّه ص ۲۲ از طریق ابو جعفر صدوق آورده که داود رقی گفت بر امام صادق (علیه السلام) در آمدم و مردی به من بدهکار

بود و من از قصد وی می ترسیدم (جرات مطالبه از او نداشتم) و این را برای حضرت به درد دل باز گفتم او گفت چون به مکه گذشتی یک طواف از جانب عبد المطلب بکن و به نیابت او دو رکعت نماز بگزار و به نیابت ابوطالب هم طوافی بکن و دو رکعت نماز بگزار و به نیابت از

ص: ۳۹

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

